

داستان آموزنده حلواى نسيه!

۱۳ تير ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۴۶

مرد گفت: من روزه هستم و قضاى روزه سال پيش را دارم

مردى از حلوافروشى درخواست كرد تا يك كيلو حلوا به او نسيه بدهد، حلوافروش گفت: بچش كه حلواى عالى است.

مرد گفت: من روزه هستم و قضاى روزه سال پيش را دارم.

حلوا فروش گفت: به خدا پناه مى برم از اين كه با تو معامله كنم. تو قرض خدا را يك سال عقب مى اندازى با من چه مى كنى؟

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۸۶۵/داستان-آموزنده-حلواي-نسيه>